نوگروی دینی به مثابه چرخش اجتماعی-روانی

(تحلیل روایت تجربهٔ زیستهٔ دانشجویان دانشگاه تهران)

اعظم امینی، [*] محمدباقر تاج‌الدین، [**] سید محمود نجاتی حسینی [***]

کدارکید: 0000-0003-1607-6264

کدارکید: 0000-0001-7684-1031

کدارکید: 0000-0002-0139-2793

چکیده

این پژوهش تفسیرهای دانشجویان از نوگروی در دینداری‌شان را از طریق مراجعه به بطن زندگی دینی روزمرهٔ آنان مورد مطالعه قرار داده است. نوگروی دینی بر اساس مدل‌های لافلند، کانتر و رمبو و با استفاده از روش تحلیل روایت بررسی شده است. به این منظوربا ۳۱ نفراز دانشجویان دانشگاه تهران با رعایت تکنیک اشباع نظری مصاحبهٔ نیمه‌ساخت یافتهٔ روایی به عمل آمد. مصاحبه‌های انجام‌شده، نهایتاً در روایت‌های فردی و همچنین یک روایت کلی خلاصه شد و مورد تحلیل تماتیک قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش از بروز عارضهٔ تغییر در حیات دینی دانشجویان حکایت می‌کند. روایت‌های دانشجویان از زندگی دینی خویش حاوی نکاتی اساسی در خصوص ابعاد دینداری است و نشان می‌دهد تمامی آنان تحت تأثیر تغییرات فردی و محیطی دینداری خود را مورد بازاندیشی قرار داده‌اند. جهت نشان‌دادن این تغییر، مصاحبه‌ها به سه بازهٔ زمانیِ «حیات دینی پایدار»، «بحران در حیات دینی» و «نوگروی دینی» تفکیک شده و مهمترین مضامین هر مرحله، بیرون کشیده شد. سه مضمون بنیادین بدست آمده عبارتنداز «دین‌داری به مثابه امری پیشینی»، «بحران هویت دینی» و «دین‌داری به مثابه امری پسینی». در نهایت باید گفت روایت کلی دانشجویان از نوگروی دینی خویش حاکی از درکی پسینی از دینداری است. در میان آنان نوگروی همچون چرخشی اجتماعی-روانی درک و تفسیر شده است که بر بستر تاریخیِ حیات دینی‌شان قابل تحلیل است.

واژگان کلیدی: دینداری، نوگروی دینی، دانشجویان، تحلیل روایت، چرخش اجتماعی-روانی.

[*] . گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
baranamini67@gmail.com

[**]. گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول.
mb_tajeddin@yahoo.com

[***]. گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
nejati.hosseini@gmail.com

مقاله علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۹

مسائل اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شمارهٔ اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۵۳-۲۷۶

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]

[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]

[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

۱. مقدمه و بیان مسئله

جامعهٔ کنونی ایران در اثر قرار گرفتن در مدار مدرنیته، تحولات ساختاری بسیاری را در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تجربه کرده است و سپهر ارزش‌ها و عقاید دینی و غیردینی ایرانیان ـ به‌ویژه نسل‌های اخیر از گرداب این تغییرات در امان نمانده است. گسترهٔ این دگرگونی ارزشی ـ اعتقادی و تنوعات دینی حاصل از آن در ایران و سایر جوامعی که تجربهٔ مشترکی در مواجهه با مدرنیته داشته‌اند، بسیاری از گرایش‌های تحلیلی جامعه‌شناسان دین را از حول مفهوم دنیوی‌شدن[۱] به سمت مفهوم تکثرگرایی[۲] کشانده است؛ بدین معنا که در روند تحولات دینی آن‌چه جدید و نوظهور می‌نماید؛ عبارتند از: بروز فرآیند دنیوی‌شدن و ظاهرشدن مسیرها و احتمالات مختلف در مسیری متفاوت از آن چه در گذشته بوده است. در یک چنین زمینهٔ اجتماعی متکثری، بخش‌های گوناگون زندگی انسان‌ها تحت تأثیر جهان‌های معنایی و تجربی متفاوتی قرار می‌گیرند و فرد خود را با زیست‌جهان‌های متفاوتی روبه‌رو می‌بیند و این چندگانگی به حوزهٔ خصوصی افراد و به درون «جامعه‌پذیری اولیه» فرد نیز سرایت کرده و تظاهرات عمده‌ای را در سطح آگاهی افراد به نمایش می‌گذارد. در نتیجه، بسیاری از افراد از همان آغاز کثرت جهان‌های زیست را تجربه کرده و فرآیندهای گوناگون و متنوعی از «جامعه‌پذیری ثانویه[۳]» را تجربه می‌کنند (برگر و کلنر، ۱۳۸۷: ۷۶-۷۳).

به‌طور کلی، مراد از نوگروی دینی در پژوهش حاضر همانا اتخاذ مجموعه‌ای از باورداشت‌های جدید متعلق به یک دین یا یک نظام اعتقادی و جایگزین کردن آن با کلیه یا قسمتی اساسی از نظام اعتقادات دینی قبلی افراد دانست که اغلب به صورت تدریجی رخ می‌دهد و می‌تواند منجر به تغییر هویت دینی افراد گردد (باکسر و گلیزر، ۲۰۰۳: ۲۸). متن پیش رو با توجه به تعریف فوق، با مفروض انگاشتن بروز نوگروی دینی در میان جوانان و دانشجویان ایرانی (طالبان و رفیعی بهابادی، ۱۳۸۹؛ شجاعی‌زند، ۱۳۸۱؛ توسلی و مرشدی،۱۳۸۵؛ شجاعی‌زند، شریعتی مزینانی و حبیب‌زاده خطبه‌سرا، ۱۳۸۵؛ مغانلو، وفایی و شهرآرای، ۱۳۸۸؛ نظری، ۱۳۹۳؛ شریفی یزدی ۱۳۹۵، برفه‌ای، ۱۳۹۶؛ عصمت و همکاران، ۱۳۹۳؛ میرزایی و باباصفری، ۱۳۹۳)

۱. Secularism

۲. Pluralism

۳. Secondary Socialization

به مطالعهٔ جامعه‌شناختی این پدیده در میان دانشجویان دانشگاه تهران می‌پردازد. انتخاب دانشجویان دانشگاه تهران در پژوهش حاضر به سه دلیل بوده است: نخست این که دانشگاه تهران به عنوان یکی از دانشگاه های مادر از جاذبیت بیشتری برای ادامه تحصیل برخوردار بوده، دوم این که تعداد زیادی از دانشجویان این دانشگاه از شهرستان ها و روستاهای کشور آمده اند و سوم این که دانشگاه مزبور همواره مرکز بسیاری از تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز بوده است. لذا به نظر می‌رسد که دینداری دانشجویان این دانشگاه نیز تابعی از تحولات مورد اشاره باشد.

در نتایج برخی از این تحقیقات، از رواج گرایش به «دین خصوصی»، «برخورد گزینشی با دین» و «گرایش به تکثرگرایی دینی» در میان دانشجویان (توسلی و مرشدی،۱۳۸۵: ۹۶؛ شجاعی‌زند، شریعتی مزینانی و حبیب‌زاده خطبه‌سرا، ۱۳۸۵؛ عباس‌پور، ۱۳۹۵؛ کمالی، ۱۳۹۸) و ارجحیت الگوی دین‌داری «منطقی _ عقلانی» و اعتقادورزی «انتخاب‌گرانه» در روند شکل‌گیری دین‌داری آنان و هم‌چنین، تحول در «سبک‌های هویت دینی» و «تعدد مسیرهای هویت‌یابی دینی» دانشجویان (مغانلو، وفایی و شهرآرای، ۳۷۷:۱۳۸۸) صحبت به میان آمده است. پژوهش‌های خارجی نیز ظهور یک طبقهٔ حرفه‌ای با تحصیلات بالا و گرایش به سمت دنیوی‌شدن را نشان می‌دهد (اسپیلکا و همکاران، ۱۳۹۰؛ سِگادی و اسواتی شیروادکار، ۲۰۱۲). ریچارد بی. فانک و فرن کا. ویلتس(۱۹۸۷) در پژوهشی با عنوان ورود به دانشگاه و تغییر نگرش» (مطالعهٔ طولی از سال ۱۹۸۱-۱۹۷۰) نتیجه گرفتند که دانشجویانی که وارد دانشگاه می‌شوند (اغلب حتی پس از گذشت یک سال) در حوزه‌هایی چون گرایش به مذهب و نقش-های جنسی- سنتی تفاوت معناداری با هم‌تایان غیردانشگاهی خود پیدا کرده‌اند. در پژوهشی که به کوشش کیهان موتلو (۱۳۷۲) با عنوان «بررسی عقاید دینی دانشجویان دانشگاه آنکارا» در مورد عقاید دینی جوانان ترکیه صورت گرفت، تحول در جامعه‌پذیری دینی جوانان و افزایش تسامح دینی آنان را در کشوری نشان می‌دهد که در طول چند دههٔ گذشته، مدرنیته حضور پررنگی در آن داشته است.

پژوهش حاضر با هدف مطالعهٔ جامعه‌شناختی پدیدهٔ نوگروی دینی در میان دانشجویان دانشگاه تهران درصدد فهم این مسئله است که هر کدام از دانشجویان بروز چنین تحولی در ساحت دین‌داری خود را چگونه درک، تفسیر، معنا و توجیه می‌کنند. پرسش اصلی که در این

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

پژوهش مطرح می‌شود این است که دانشجویان دانشگاه تهران در باب چرایی بروز نوگروی در حیات دینی خویش چگونه اقامه‌ی دلیل می‌کنند؟ چه پدیده‌ها و اموری را در ترک صورت‌های پیشین دین‌داری خود دخیل دانسته و چه دلایلی را برای گِروش به صورت فعلی دین‌داری خویش ارائه می‌دهند؟

۲. چارچوب مفهومی و مدل نظری

مدل نوگروی لافلند

جان لافلند (۱۹۷۷) در تحلیل خود از فرآیند نوگروی دینی، سلسله عواملی را مشخص می‌کند که افراد بی‌طرف را به پیروهایی متعهد تبدیل می‌کند. بر اساس مدل لافلند، صرفاً مردمانی که تمامی وضعیت‌های متوالی مورد نظر را از سر بگذرانند، ممکن است به گروه دینی جدیدی بگروند» (رابرتس، ۱۹۹۰: ۱۱۰). آنچه در ادامه می‌آید، هفت وضعیت موجود در مدل نوگروی لافلند است:

۱. تنش[۱]. در جوامعی که با تغییرات گستردهٔ اجتماعی - فرهنگی روبه‌رو هستند مردمان اغلب سطحی از آنومی یا بی‌هنجاری را در مناسبات اجتماعی و زندگی فردی خود تجربه می‌کنند. تنش حاصل از این احساس آنومی می‌تواند به طرق گوناگون مرتفع گردد و در این میان، نوگروی دینی تنها یکی از پاسخ‌های احتمالی به وضعیت تنش است. ۲. چشم‌انداز دینی حل مسأله[۲]. دومین مشخصه‌ی فردی، «تمایل به حل مسئله با عطف توجه به روش‌های دینی یا [سیره و سخنان] رهبران دینی، به‌جای روش‌های سیاسی یا روان‌پزشکی و...» است. ۳. جست‌وجوگری دینی[۳]. لافلند دریافت که مونی‌ها[۴] از رکود و سکون موجود در گروه‌های دینی متعارف ناراضی بوده و نوعی علاقه به ماجراجویی و جست‌وجوگری دینی آنها را به سوی گروه‌های دینی جدید سوق می‌دهد. با این جست‌وجوگری، آنان خود را به‌عنوان «جست‌وجوگران حقیقت» بازشناختند. با وجود این، هر

۱ . Tension

۲ . Religious Problemsolving Perspective

۳ . Religious Seekership

۴- مونی (moonie) اصطلاحی تحقیرآمیز است که اغلب برای اشاره به اعضای کلیسای یگانه‌گی به‌کار می‌رود. این اصطلاح از نام بنیان‌گذار این کلیسا، سون میونگ مون مشتق شده است و اولین بار در سال ۱۹۷۴ در رسانه-های آمریکایی استعمال شد - نک سایت رسمی کلیسای یگانه‌گی: www.unification.net نیز نک سایت رسمی سون میونگ مون: www.reverendsunmyungmoon.org

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

جست‌وجوگری منجر به نوگروی نخواهد شد. ۴. نقطه‌ی تحول در زندگی[۱]. از طرفی لافلند دریافت که مواردی نظیر «فروپاشی زندگی زناشویی» و «بیماری» کم‌تر باعث بروز پیامدهای برخاسته از بروز نقطه‌ی تحول در زندگی – از جمله نوگروی دینی – می‌شوند. ۵. نزدیک‌شدن پیوندهای عاطفی درون‌کیشی[۲]. لافلند تأکید می‌کند که «نوگروی از مرحله‌ی عاطفی و نه از مرحلهٔ شناختی آغاز می‌شود». ۶. سست شدن پیوندهای عاطفی برون‌کیشی[۳]. به‌علت بریدن از خانواده یا اجتماع دینیِ قبلی، فرد ممکن است سطحی از انزوا، از خود بیگانه‌گی و تنهایی را تجربه کند. ۷. تعاملات پُرقوام[۴]. نتایج مطالعات لافلند نشان داد که برخی از مونی‌ها فقط به‌صورت لفظی به گروه دینی متعهدند و تعهد کاملی به گروه ندارند» (همان: ۱۱۱-۱۱۳). بدین‌سان، فرآیند نوگروی کامل گشته و پای‌بندی در هر سه سطح ابزاری، عاطفی و اخلاقی که در بحث از مدل پای‌بندی لافلند بدان اشاره رفت، تقویت خواهد شد.

مدل نوگروی دینی کانتر[۵]

روزابث کانتر در پژوهشی به مطالعهٔ عوامل استمرار بقای اجتماعات دینی پرداخته است. از نتایج پژوهش کانتر شناسایی تعدادی از ابعاد پای‌بندی در جماعت‌هایی بود که توانسته بودند با موفقیت به حیات خود ادامه دهند. کانتر دریافت که پای‌بندی در سه سطح مختلف رخ می‌دهد: پای‌بندی در سازمان‌دهی (پای‌بندی ابزاری[۶])، پای‌بندی به دیگر مردمان گروه (پای‌بندی عاطفی[۷])، و پای‌بندی به قوانین و آداب و رسوم گروه (پای‌بندی اخلاقی[۸]).

پای‌بندی ابزاری: در سطح پای‌بندی ابزاری، مردمان باید مجاب شوند که هم‌کاری مستمر با گروه یا سازمان، ارزش صرف زمان و تلاش آنان را دارد. از این‌رو مردمان به نوعی، به محاسبهٔ هزینه – فایده در می‌غلتند. در سطح شناختی و به لحاظ فکری، مردمان باید مجاب شوند که منفعت حاصله از مشارکت مستمر، منفعتی ضروری بوده و ارزش صرف زمان و هزینهٔ صرف‌شده را دارد.

1 . Turning Point in Life
2 . Close Cult Affective Bonds
3 . Weakening of Extractual Affective Bonds
4 . Intensive Interaction
5 . R. Canter
6 . Instrumental commitment
7 . Affective commitment
8 . Moral commitment

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

پای‌بندی عاطفی: این جنبه از پای‌بندی، به وابستگی عاطفی به گروه مربوط است. بسیاری از فرقه-ها و کیش‌های غیرمتعارف در تلاش‌اند تا به گروه‌های مرجع بی‌رقیبی برای اعضای‌شان بدل شوند. اما پیوندهای عاطفی در گروه‌های دینی متعارف نیز از اهمیت برخوردار است. فرآیند پای‌بندی عاطفی دو ساز و کار را درگیر خود می‌کند: «انصراف و انفصال از پیوندهای قبلی» و «اتحاد با گروه جدید». پای‌بندی اخلاقی: سومین سطح پای‌بندی، به التزام به هنجارها و ارزش‌های گروه باز می‌گردد. در این سطح است که اعضا می‌بایست سرسپرده‌ی ایدئولوژی تدوین‌شده توسط رهبران گردند (همان: ۱۰۴-۱۰۷).

مدل نوگروی رمبو

رمبو (۱۹۹۳) مدلی منسجم برای نوگروی عرضه کرده است که از یافته‌های مردم‌شناسان، تبلیغ‌شناسان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان نیز در پردازش آن استفاده می‌کند. این مدل صرفاً رشدی نیست، اگرچه دارای مراحل و مراتبی است که آن را به‌صورت مدلی اکتشافی درمی‌آورد. «این مراتب نه جهت واحدی دارند و نه تغییرناپذیرند»، بلکه از راه‌های دیالکتیکی پیچیده‌ای باهم در ارتباط هستند و این امر باعث می‌شود بر یکدیگر تأثیر بگذارند، چنان‌که نه‌تنها مراحل آغازین بر مراحل بعدی مؤثرند، بلکه مراحل بعدی نیز به نوبه خود بر مراحل آغازین تأثیر می‌گذارند (پالوتزیان، ۲۰۱۴: ۱۸۹-۱۹۰). این مدل در جدول زیر خلاصه شده است.

جدول شماره ۱: مدل نوگروی رمبو

مراحل یا جوانب فرآیند نوگروی	عواملی که باید در این مرحله سنجیده شود
مرحله ۱: بافت	عواملی که نوگروی را تسهیل می‌کنند یا به تعویق می‌اندازند. اینها عبارتند از عوامل فرهنگی، تاریخی، شخصی، جامعه‌شناختی و الاهیاتی
مرحله ۲: بحران	ممکن است شخصی، اجتماعی و یا هردو باشد.
مرحله ۳: طلب	فعالیت عمدی از جانب نوگرونده‌ی باالقوه
مرحله ۴: مواجهه	تشخیص گزینه‌ی معنوی یا مذهبی جایگزین. ممکن است فرد (یک عضو یا طرفدار) یا نو (تبلیغات) باشد.
مرحله ۵: تعامل	ارتباط گسترده در بسیاری از جهات با گزینه‌ی مذهبی / معنوی جدید.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

مرحله ۶: التزام	همسانی با واقعیت معنوی یا مذهبی جدید.
مرحله ۷: پیامدها	دگرگونی به‌عنوان نتیجه‌ی التزام جدید، از جمله در عقاید، رفتارها و هویت

(منبع: Paloutzian2014: 191)

در جمع بندی از مباحث نظری می‌توان این گونه اظهار نظر نمود که بسیاری از انواع متفاوت گروه-ها و سازمان‌های دینی از یکی یا بیشتر ساز و کارهای پای‌بندی مطرح شده توسط کانتر، استفاده می‌کنند. ویژگی منحصربه‌فرد گروه‌های دینی غیرمتعارف این است که «سطح بالایی از پای‌بندی را مطالبه می‌کنند. باید توجه داشت که تمرکز مطالعهٔ کانتر بیشتر بر روی گروه‌های دینی غیرمتعارف بوده و ممکن است نتوان مدل برآمده از مطالعات وی را کاملن منطبق با ویژه‌گی‌های ادیان متعارف، از جمله بافت دینی جامعهٔ ایران دانست. چنان‌که در مدل کانتر مشهود است، پای‌بندی عاطفی اعضا بیشتر معطوف به گروه دینی است در حالی که در بافت اسلامی، عواطف دینی مردمان، بیشتر معطوف به منبع قدسی لایزال و نمادهای دینی است تا گروه دینی. لذا ممکن است این مدل در تحلیل وضعیت گروه‌های دینیِ منسجم‌تری مانند جمع‌های عرفانی و گروه‌های معنوی نوپدید کاربردی‌تر باشد. همچنین نظریهٔ لافلند تنها یکی از انواع نظریاتی است که در صدد تبیین نوگروی است که ممکن است چندان متناسب با بافت دینی ـ اجتماعی جامعهٔ ایران نباشد. به این معنی که ممکن است فرآیند نوگرویی رخ دهد که یک یا چند مرحله از مراحل مشخص شده توسط لافلند در آن مغفول مانده باشد.

۳. روش‌شناسی

برای فهم دلایل نوگروی دینی دانشجویان و پی بردن به چرایی و چگونگی بروز چنین تحولی در ساحت ارزش‌ها، نگرش‌ها، جهان‌بینی و عقاید دینی افراد ناگزیر از مراجعه به جهان‌های معنایی دانشجویان و فهم این مسئله هستیم که هر یک از آنان فراز و فرودهایی که در زیست دینی خود تجربه کرده‌اند را چگونه درک، تفسیر و معنا می‌کنند. بر همین اساس، در این مطالعه و در رویارویی با مسئلهٔ پژوهش، روش روایت[۱] انتخاب شده است. روایت کردنِ یک تجربه ابزار مناسبی برای سهیم کردن تجربهٔ خود به دیگران به‌عنوان یک نتیجه و یک فرآیند است. به‌گونه‌ای‌که هم مخاطبین این تجربه و هم راوی بتواند این تجارب را بازسازی کنند و در

[۱]. Narrative Method

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

نتیجه فهم مشترکی از آن پیدا کنند. در پژوهش حاضر از تکنیک مصاحبه نیمه ساخت یافته به‌منظور گردآوری اطلاعات استفاده خواهد شد، چرا که به باور فلیک «روایت‌ها را می‌توان به بهترین نحو از طریق مصاحبهٔ روایی تهیه و گردآوری کرد». (فلیک، ۱۳۸۸: ۶). همچنین نمونه‌گیری بر اساس منطق نمونه‌گیری گلوله‌برفی انجام شد، یعنی از آنجا که هدف ما مصاحبه و تحلیل روایت تجربه آن دسته از دانشجویانی بود که به نوعی گرایش نوگروی آن‌ها تمایل بیشتری به گریز از دین و بی‌دینی داشت، از هر مورد خواسته می‌شد که یک یا چند نفر را که همین تجارب را داشته است جهت مصاحبه معرفی نماید. پس از انجام مصاحبه و بر اساس سؤالات مصاحبه، خلاصه‌ای از روایت‌های زندگی هر یک از مصاحبه‌شوندگان بیرون کشیده شد. این روایت‌ها به بازه‌های زمانی تقطیع شده و در هر بازه زمانی مهمترین مضامین بیرون کشیده شد.

٤. یافته‌های تحقیق

توصیف سیمای کلی مصاحبه شوندگان

کلیهٔ مشارکت‌کنندگان از میان دانشجویان دانشگاه تهران برگزیده شده‌اند. تنها یکی از دانشجویان ساکن و اهل شهر تهران بود و مابقی مصاحبه‌شوندگان از شهرستان‌های مختلف برگزیده شده و سعی شد؛ تنوع مذهبی در میان آنان رعایت شود. به‌طوری که هم از پیروان اهل سنت (۱۵ نفر) و هم از پیروان اهل تشیع (۱۶ نفر) مصاحبه به عمل آمد. علاوه بر این یکی از مصاحبه‌شوندگان پیرو آیین یارستان (اهل حق) بود. در مجموع با ۳۱ دانشجوی مقطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد مصاحبه شد و پس از رسیدن به اشباع نظری روند مصاحبه به اتمام رسید. از این مجموع ۱۵ مرد و ۱۶ زن، ۱۴ نفر دانشجوی کارشناسی‌ارشد و ۱۶ نفر دانشجوی کارشناسی بودند. سن مصاحبه‌شوندگان بین ۲۱ تا ۳۳ سال بوده است.

از دینداری پایدار به نوگروی به‌مثابه چرخشی اجتماعی-روانی

تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان حیات دینی خود را در نتیجهٔ ظهور و بروز برخی نقاط عطف و تغییرات خاص، اما به لحاظ ساختاری مشترک، همراه با نوعی از تحول بنیادین توصیف کرده‌اند؛ بنیادین به این لحاظ که نظام اعتقادی آنان را با چالش‌هایی اساسی روبرو کرده است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

روایت‌ها نشان از اهمیت بُعد اعتقادی و تأثیر آن بر سایر ابعاد دین‌داری دارد. در واقع حیات دینی مصاحبه‌شوندگان به قبل و بعد از تغییر در نظام اعتقادی آنان تقسیم شده است. در نتیجهٔ اتفاقات و رویدادهایی، نشانه‌هایی از ناپایداری در نظام اعتقادی آنان بروز نموده و نتیجهٔ نهایی آن تغییر در پایبندی به «دینِ ارثی» (به تعبیر یکی از مصاحبه‌شوندها) و ظهور اولین نشانه‌های نوگروی بوده است. بر اساس روایت‌های ارائه‌شدهٔ دانشجویان، در خلال گذار از نوجوانی به جوانی، ورود به دبیرستان و در نهایت ورود به دانشگاه نظام اعتقادی آنان دچار تغییراتی همچون تشکیک در امور مقدس، بروز سؤالات هستی‌شناختی، تغییر در هویت دینی، تغییر در باور بی‌چون و چرا به وجود خداوند گردیده است. در نتیجه برخی تغییراتِ اساسی (که در ادامه بدانها خواهیم پرداخت) این نوع از دین‌داری با پرسش مواجه شده و تغییراتِ بنیادینی در آن روی داده است که در قالب سه مرحله زیر به بحث و بررسی گذاشته می‌شود.

حیات دینی پایدار: دین‌داری به مثابه امری پیشینی[1]

این مرحله از حیات دینی مصاحبه‌شوندگان به عنوان زمینه و بستر ظهور دینداری در میان آنان حائز اهمیت فراوانی است. مهمترین بازیگر این زمینهٔ فرهنگی اجتماعیِ دینی خانواده است. **خاستگاه مذهبی خانواده‌های** مصاحبه‌شوندگان این تعیین‌کنندگی را بازگو می‌کند:

> «خانوادهٔ من خیلی مذهبی هستن شاید زیاد آداب دین رو رعایت نکنن ولی خیلی باور دارند و همیشه با من بحث می‌کنن که چرا مثلاً با نام خدا زندگی رو شروع نمی‌کنی. خب من هم یه جورایی مجبور بودم که خیلی باهاشون مخالفت نکنم» (مرد، ۲۱ ساله).

دینداری سنتیِ (یه تعبیر یکی از مصاحبه‌شوندگان) ناظر بر نوعی از دینداری است که در آن قابل پیشینی‌بودن دینداری مهمترین مشخصه است. از این نوع دین‌داری می‌توان به دین‌داریِ عبادی یاد کرد. نوعی از دینداری که در آن افراد به عبادت‌های واجب دینی همچون نماز و

[1]. A priori

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

روزه اهتمام ورزیده و بر الزام‌آور بودن آن تأکید ویژه دارد (حسن‌پور، ۱۳۹۳: ۲۹). یکی از مصاحبه‌شوندگان این فشار را این گونه توصیف می‌کند:

«در مورد جایگاه دین هم باید بگم که با توجه به اون سه دوره که اول گفتم، دورهٔ اول خب چونکه اقتدار پدر و مادر زیادتر بود مسلماً دین جایگاه زیادی داشت و تقریباً رفتار ما رو با توجه به مسائل دینی کنترل و تنظیم میکردن. ولی دوره دبیرستان یه خورده کم‌رنگ‌تر شد و بعدش توی دانشگاه که دیگه میتونم بگم توی روابط خانوادگی ما دین دیگه جایگاه زیادی نداشته. این وضعیت هم برای پدر و مادرم سخت بوده ولی دیگه تقریباً باهاش کنار اومدن» (مرد، ۳۰ ساله).

علاوه بر این، خرده مضمون دیگری که در زندگی مصاحبه‌شوندگان اهمیت کلیدیی داشته است بُعد مناسکیِ دینداری و در اینجا **مناسک مقلدانه** است. این ویژگی نیز بر پیشینی‌بودن دینداری در این دوره صحه می‌گذارد. یکی از مصاحبه‌شوندگان مناسک مقلدانه در خانواده و فرزندان را این گونه توصیف می‌کند:

«دین در خانوادهٔ ما شکلی سنتی و مناسک‌محور داره؛ یعنی، شرکت در جنبه‌های اجتماعی دین اهمیت بیشتری از جنبه فردی داشته. مثلاً ممکن بود پدرم یا سایر اعضای خانواده، ماه‌ها نماز نخونند؛ اما حتماً در نماز عید فطر یا قربان و ... شرکت کنند. یا شبای محرم (دهه محرم) تو هیأت و دسته‌جات عزاداری شرکت می‌کردیم یا ماه رمضان روزه می‌گرفتیم حتی اگر باقی ایام سال نماز نمی‌خوندیم. از طرفی هم شدت دینداری با مشکلات خانوادگی دچار تناوب می‌شد به طوری که مثلا اگر کسی دچار بیماری می‌شد سایر اعضای خانواده بیشتر به معنویات و نذر و نیایش و توسل رو می‌آوردن» (مرد، ۳۴ ساله).

با این همه، خروج تدریجی و فرایندی از این حیات دینی پایدار زمینه‌های وقوع بحران در حیات دینی را فراهم کرده است که با مهمترین مضمون بحران هویت دینی شناخته می‌شود. از این دوره به بعد است که پیشینی‌بودن دینداری و امور دینی مورد تشکیک قرار می‌گیرد و

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

جستجویی آمیخته با ترس و احساس گناه برای یافتن معنایی جدید در زندگی مصاحبه‌شوندگان نمایان می‌شود.

بحران در حیات دینی: بحران هویت دینی

در میان مصاحبه‌شوندگان بحران هویت دینی با بروز تشکیک نسبت به حقانیت دین و مذهب تقلیدی آغاز شده است. اکثر مصاحبه‌شوندگان در بازه زمانی مشخصی از حیات دینی، یعنی از حدود ۱۸ سالگی به بعد است که با این بحران روبرو شده‌اند. بروز سؤالات در خصوص منشأ هستی، کیستی و چیستی انسان، حیات پس از مرگ و... سؤالاتی هستند که در این دوره شکل گرفته‌اند و مهمترین **سؤالات هستی‌شناسانه** را شامل می‌شوند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بروز تشکیک در باورها واعتقادات دینی را این گونه توصیف می‌کند:

> «من قبلا مطمئن بودم که مرگ و بهشت و جهنم دقیقاً همون چیزیه که توی کتب دینی و احادیث اومده. اما کم کم و از سن ۱۷ - ۱۸سالگی متوجه شدم هرچقدر بیشتر فکر میکنم و مطالعه میکنم بیشتر متوجه بی‌اساس بودن دین و عقاید زاییده از اون میشم. البته نهایتاً با اومدن اونکسی که دوسش دارم به زندگیم، چون تو این مسائل یه قدم از من جلوتر بود و کنجکاوتر من راحت تر تونستم عقاید قبلیمو رها کنم و الان تصورم از مرگ نابودیه و به دنیای بعد ازمرگ اعتقادی ندارم» (زن، ۲۱ ساله).

این بحران ناشی از نوعی چالش و تعارض میان معرفتِ دینی و معرفت غیردینی است. به گونه‌ای که در این مصاحبه‌شونده یافتن پاسخی به سؤالات هستی‌شناسانه با بروز نوعی از درماندگی و بی‌تفاوتی، مانع از اتخاذ قضاوتی نهایی میان دو نوع معرفت‌شناسی دینی و غیردینی شده است. به طور کلی جوانان وقتی با دریافت ارزش‌های شخصیتِ دینیِ پیشینی‌شان با نوعی از ناامیدی به مقابله برمی خیزند (این مقابله می‌تواند همانگونه که در این مصاحبه‌شونده دیده شده است. روی آوردن به فلسفه به جای متون دینی باشد):

> «از دوران کودکی کمابیش این سوال همراهم بوده. قبلاً که با خیال راحت به خودم جوابهایی که از اسلام یاد گرفته بودمو دیکته میکردم. اما الآن فکر می‌کنم این جهان یه تصادف و اتفاق بوده که

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

ماهم تصادفاً واردش شدیم و نهایتاً یه روز ما و این جهانمونم نابود میشه» (زن، ۲۱ ساله)

این تشکیک در بُعد اعتقادی دینداری، تشکیک در سایر ابعاد را نیز به دنبال داشته است. بنابراین، یکی دیگر از مهمترین خرده مضامین این مرحله **تشکیک در ابعاد دینداری** است. یکی از دلایل سربرآوردن این تشکیک عدم توانایی منابع و مراجع دینی در پاسخگویی به برخی سؤالات مصاحبه‌شوندگان بوده است. درواقع نوعی **تنش میان اعتقادات و واقعیت** روی داده که نتیجه‌اش فاصله‌گرفتن از اعتقادات دینی است. به عبارتی دیگر این تنش ناشی از تنش میان جهان‌های معنایی متکثری است که در نتیجهٔ دسترسی به منابع معرفتی جدید روی داده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان این وضعیت را این گونه توصیف کرده است:

«مسجد بودیم شب قدر بود، یک آخوند بود که می‌گفتن خیلی سواد داره. من هم سؤالی رو پرسیدم که خیلی ذهنم رو مشغول می‌کرد. وقتی نتونست جواب بده احساس کردم شاید یه جای کار مشکل وجود داره» (مرد، ۲۱ ساله).

عدم پاسخگویی به سؤالات منجر به نوعی از بحران معنایی در میان پاسخگویان شده است. درواقع هویت دینی با بحران مشروعیت و مرجعیت مواجه شده و دیگر یگانه مرجع معنادهی به زندگی آنان نخواهد بود. البته این به معنی کم‌رنگ‌شدن نقش دین نیست، بلکه به این معنی است که زیست‌جهان مصاحبه‌شوندگان چنین تفسیری از دین به دست می‌دهد. بنابراین در این مرحله افراد اولین نشانه‌های **جستجو برای معنا** را بروز داده‌اند. این جستجو و یافتن پاسخ‌های احتمالی است که زمینه را برای بروز نوگروی دینی در میان مصاحبه‌شوندگان فراهم کرده است.

نوگروی دینی: دین‌داری به مثابه امری پسینی[۱]

تأکید اصلی در این پژوهش بر این مرحله از حیات دینی مصاحبه‌شوندگان است. مرحله‌ای که جستجوها به سرانجام رسیده، تغییرات ظهور می‌کنند و شخصیت‌های دینیِ متفاوتی رشد می‌یابند. در این مرحله است که مصاحبه‌شوندگان تجارب چندین ساله‌ای از دینداری دارند و

[۱]. A posteriori

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

دینداری برای آنان دیگر امری پیشینی و استعلایی نیست، بلکه در فرایند جامعه‌پذیری دینی و پس از آن بروز تغییرات محیطی و اجتماعی در آنان، به امری پسینی تبدیل شده است. البته در اینجا مراد از تجربه، تجربهٔ دینی[1] نیست. چراکه اکثر مصاحبه‌شوندگان از سرگذراندن چنین تجربه‌ای را رد کرده‌اند. مراد از تجربهٔ دینداری، در اینجا مفهومی اجتماعی به معنای از سرگذراندن روند جامعه‌پذیری دینی و درونی‌کردن نظام ارزشی مبتنی بر اصول دینی است. ورود به دانشگاه و عموماً ورود به کلان‌شهری همچون تهران بر حیات دینی مصاحبه‌شوندگان تأثیر بسیار زیادی گذاشته است. این زمینه در کنار بحرانی که پیشتر ذکرش رفت و همچنین جستجوی هویت دینی جدید شرایطی را فراهم می‌آورد که در آن نوگروی رخ می‌دهد. در نتیجهٔ این وضعیت است که مصاحبه‌شوندگان رهیافت‌های جانشینِ جدیدی را در درون و یا ورای سنت دینیِ پیشین جستجو می‌کنند. مطالعه‌کردن، رسانه‌ها، دیدن عبادت‌گاه و مناسک دینی و گفتگو با دوستانِ سایر ادیان، مذاهب و گروه‌های دینی بر نوگروی آنان تأثیرگذار بوده است.

> «بعد از دانشگاه و با اومدن به دانشگاه و ترغیب‌شدن به مطالعه بیشتر وآشنایی با آدم‌های مختلف و طرزفکرهای مختلف جسارت بیشتری برای تغییر خودم و طرز فکرم پیدا کردم» (زن، ۲۱ ساله)
>
> «در دانشگاه به واسطهٔ اساتید و دوستان باسوادم با خیلی چیزها آشنا شدم و در محافلی شرکت کردم که خیلی استفاده کردم» (زن، ۲۰ ساله).

علاوه بر این، باورها و اعتقادات بنیادی نیز در میان مصاحبه‌شوندگان تغییرات زیادی داشته است. پاسخ‌های سرراست و مطلق گذشته جای خود را به نوعی از نسبی‌گرایی و شکاکیت داده است. به عنوان نمونه در مورد اعتقاد به وجود خداوند به عنوان منشأی هستی بسیاری از مصاحبه‌شوندگان در دوره اعتقادات اولیه نه‌تنها وجود خداوند را مورد پرسش قرار نمی‌دادند بلکه روایت‌های دینی از آن را نیز نمی‌پذیرفتند. اما در این مرحله تغییری اساسی روی داده است که خداوند از منشأی هستی همچون امری بدیهی و واضح به منشأی پر از ابهام و جهل

[1]. Religious experience

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

علمی تبدیل شده است که معرفت موجود یارای پاسخگویی به چیستی آن را ندارد. یکی از مصاحبه‌شوندگان این امر را اینگونه توصیف کرده است:

> «به اعتقاد من چیزی که اهمیت داره اینه که برآیند زندگی مثبتی داشته باشیم و اونچه از دین برای ما تصویرسازی یا مفهوم سازی شده نمیتونه واقعیت داشته باشه. منفعت این دیدگاه جدید شاید بشه گفت احساس آزادبودن و آسودگی و رهاشدن از تعصب‌های کلیشه‌ای دینیه. مثلاً قبلا خدا موجود محاسبه‌گر و ترسناکی بود که به ریز رفتارای من توجه داشت. اما حالا صرفاً به وجود منشایی برای هستی و خیر و زیبایی معتقدم. اعتقاد دارم که چیزی هست اما نمیدونم چیه» (مرد، ۳۴ ساله).

در اینجا رستگاری دینی جای خود را به زندگی مثبت و خوشبختی دنیوی داده است. پی‌یر روزانوالن معتقد است که دینداری‌های جدید با دو ویژگی شاخص می‌شوند: نخست، غیرنهادینه‌بودن و دوم جایگزینی سعادت به جای رستگاری؛ به عبارتی دیگر، موضوع دین دیگر نجات و رستگاری نیست بلکه خوشبختی است و یکی از نمودهای این سعادت و خوشبختی‌خواهی، کاهش پایبندی به ریاضت‌های مذهبی است که با راحتی و رفاه انسان در تضاد است. در واقع راحتی، رفاه و آرامش جانشین اعمال سخت دینی مانند ریاضت و روزه شده‌اند. همچنین در میان این ویژگی‌ها آنچه بیش از همه شاخصِ این دینداری جدید است، ظهور فرد به عنوان محل و منبع امروزی حقیقت دینی به جای نهاد دین است؛ فردی که جانشین نهاد شده است و شخصاً دینداری خود را می‌سازد (به نقل از شریعتی، ۱۳۸۵). اما این تغییر در میان مصاحبه‌شوندگان چگونه بوده است و چه جنبه‌های از حیات دینی و غیردینی آنان را در برگرفته است؟ یکی از مهمترین مضامین روایت‌های مصاحبه‌شوندگان تغییر در جمع‌گرایی دینی آنان و روی آوردن به فردگرایی دینی است.

فردگرایی هم در بعد پایبندی اخلاقی و هم در بعد پایبندی مناسکی جای خود را به جمع‌گرایی داده است. در اینجا ارزش‌های راهنمای کنش‌های فرد دیگر ارزش‌های مبتنی بر اجماع دینی نیستند بلکه فرد در محور حیات دینی و غیردینی قرار گرفته است. سوژه‌محوری در بسیاری از روایت‌ها دیده می‌شود. این امر نیز بر می‌گردد به تجربهٔ زندگی مدرن از سوی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

آنان. درواقع گرایش‌های دینی برای آنان سوژه‌محور شده و تجربهٔ اصیل فردی تعیین‌کننده است. خودِ مدرن وقتی که به انتخاب اعتقادات و اعمال می‌رسد به‌مراتب بیش از نسل‌های گذشته آزادی دارد و به انتخاب و تجربهٔ فردی به‌عنوان یک ارزش اهمیت می‌دهد. اغلب مشارکت‌کنندگان بر این نکته تأکید کرده‌اند که باورهای دینی و معنوی موجود باید در تجربهٔ شخصی آنان قابل اثبات باشد. به عنوان نمونه، اصول اخلاقی در میان بیشتر مصاحبه‌شوندگان دیگر اصول مطلق‌گرایانه دینی نیست بلکه تجارت شخصی فرد است که این اصول را مورد سنجش قرار می‌دهد:

> وقتی در جامعه هم افراد دین‌دار وجود دارن و هم افراد بی‌دین پس دین به تنهایی نمی‌تونه اعتقادات و ارزش‌ها و رفتارها را تنظیم و هدایت کنه. اما در مورد سؤال شما هم باید بگم که من به صداقت، احترام، مسئولیت‌پذیری، تعهد و... خیلی اعتقاد دارم. یه بخشی از اینها برمیگرده به آزمون و خطاهایی که در مورد زندگی داشتم. هم نتایج مثبت گرفتم و هم نتایج منفی. و این باعث شده که تشخیص بدم چه چیزی برام مفیده و چه چیزی نه.» (زن، ۲۵ ساله).

این سوژه‌محوری و فردگرایی حیات دینی مصاحبه‌شوندگان را به نوعی از **خودمرجعی مربوط به امور دینی** تبدیل کرده است. دینداری خود مرجع، برداشتی شخصی و غیرالزام‌آور از مناسک دینی به دست می‌دهد. همچنین این نوع از دینداری تقلید در فروع دین را به کلی رد کرده و اعتبار و قطعیت دستورها و تعالیم دینی را با تردید و تشکیک مواجه می‌کند و بدین صورت نقش نهاد مرجعیت را نادیده گرفته و اجباری به رعایت دستورهای آنان احساس نمی‌کند. در این نوع دینداری دلیلی برای تقلید وجود ندارد و با فردیت و آزادی در تضاد قرار می گیرد.

> «به نظرم هر انسانی در روزگارمدرن با توجه به دسترسی آسان به اطلاعات و منابع می‌تونه جواب سؤالات خودش رو پیدا کنه. بهتره دست از این مرجع تراشی‌های بیخود برداریم که واقعاً آفتی شده برای جامعه» (مرد، ۳۳ ساله)

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

«تقلید و مرجعیت یه جورایی لازمه در جامعه ولی دیگه هر کس
حق داره انتخاب کنه که چه چیزی رو میخواد» (مرد، ۲۱ ساله)

فردگرایی و خودمرجعی دینی مصاحبه‌شوندگان را به سمتی سوق داده است که در تمام ابعاد دینداری بازاندیشی کنند. بنابراین، **بازاندیشی در ابعاد دینداری** یکی دیگر از مضامین اصلی روایت‌های ارائه‌شده از سوی مصاحبه‌شوندگان است. این بازاندیشی که در هر چهار بعد دینداری روی داده است و شرح آن پیشتر ارائه شد، معنای زندگی را نیز برای مصاحبه‌شوندگان تغییر داده است. نکتهٔ قابل توجه در میان مصاحبه‌شوندگان تغییر معنای زندگی از معنایی دینی که در معطوف به بهشت و جهان آخرت است به معنایی دنیوی و اغلب کامیابانه تغییریافته است. علاوه بر این در پاسخ به بحران معنا عموماً بر شبکه روابط گروهی و توانایی فردی تأکید شده است تا بر دست‌آویختن به منابع ماورایی و متافیزیکی:

«اگه زندگی برام بی‌معنا بود که خودکشی می‌کردم! اما چیزایی
مثل خانواده، عشق، دوستان و...برام معنی دارن و همیشه برای
خود معناآفرینی می‌کنم» (مرد، ۲۱ ساله)

«با توجه به سنم تقریباً به یه ثبات نسبی از لحاظ فکری و
شخصیتی رسیدم و زندگی برام باارزش و زیباست. همیشه
وجود عشق زندگیم رو پر معناتر و زیباتر کرده» (زن، ۲۵ ساله)

برایند این وضعیت، **برساخت هویت جدید دینی** برای مصاحبه‌شوندگان بوده است. یعنی نوگروی دینی با تغییر در هویت و همچنین شخصیت آنان همراه بوده است. اما نکتهٔ قابل توجه در میان مصاحبه‌شوندگان ارتباط زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی و فردیِ عموماً منفی با تلاش برای تغییر شرایط فردی به میانجی‌گریِ نوگروی است. تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان از تجربهٔ فشارهای عموماً ساختاری همچون فشار اقتصادی و تنش‌های خانوادگی و همچنین تنش‌های فردی و شخصیتیِ ناشی از این شرایط بیرونی سخن گفته‌اند. برخی از مصاحبه‌شوندگان فشارها و تنش‌های بیرونی را این گونه توصیف کرده‌اند:

«همیشه با مشکلات زیادی روبه رو بودم از جمله بی‌پولی و روی
آوردن به کارای سخت برای به دست آوردن پول، مشکل خانواده

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

و... در واقع این مشکلات منو از تمام چیزای که می‌خواستم دور کردن» (مرد، ۲۱ ساله)

«خب مسلماً هرکسی این بحران‌ها رو تجربه می‌کنه. به عنوان مثال من در دورهٔ کارشناسی یه شکست عاطفی خوردم که تقریباً می‌تونم بگم نظر من رو نسبت به همه مسائل تغییر داد. از ازدواج و جنسیت گرفته تا روابط اجتماعی و ...» (مرد، ۳۰ ساله).

در نتیجهٔ شرایطی که ذکرشد مصاحبه‌شوندگان در تلاش برای جستجوی معنای جدیدی در زندگی و متعاقباً هویت جدیدی بوده‌اند که در بیشتر موارد به تمامی با هویت دینی پیشین آنها متفات بوده است. در هویت جدید آنان فرد محور و نقطهٔ ثقل است؛ به نوعی که غالب کنش‌ها در ارتباط با فردگرایی معنا می‌یابند. در این هویت جدید نه تنها مناسک مذهبی اعمالی کلیشه‌ای و بی‌معنی نامیده شده‌اند بلکه به‌طور کلی از زندگی مصاحبه‌شوندگان رخت بربسته‌اند. اما در بُعد اخلاقی اشتراک فراوانی میان اصول اساسی کنش اخلاقی با اصول اخلاقی اولیه‌ی آنان دیده می‌شود. با این تفاوت که در هویت دینی جدید اخلاقیات در ارتباط با تجارب شخصی معنا پیدا می‌کنند نه در ارتباط با اموری همچون صواب و گناه؛ به عبارتی دیگر جنبهٔ کارکردی کنش اخلاقی با مرجعیت فرد پررنگ‌تر شده است.

جدول (۳): خرد مضمون‌ها و مضمون‌های مستخرج از متن مصاحبه‌ها

مراحل حیات دینی	خرده مضمون‌ها	مضمون‌ها
مرحله اول: حیات دینی پایدار	خاستگاه دینی خانواده جامعه‌پذیری دینی دینداری مقلدانه آموزش رسمی آموزه‌های دینی	دین‌داری به مثابه امری پیشینی
مرحله دوم: بحران در حیات دینی	بحران هویت دینی سؤالات هستی‌شناسانه در جستجوی معنا	بحران هویت دینی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

	تنش میان اعتقادات و واقعیات تشکیک در باورهای دینی	
مرحله سوم: **نوگروی دینی**	فردگرایی به جای جمع‌گرایی خودمرجعی مربوط به امور دینی بازاندیشی در ابعاد دینداری هویت جدید دینی	دین‌داری به مثابه امری پسینی

روایت یک چرخش اجتماعی-روانی: گذار اعتقادی-معرفت‌شناختی از دینداری

مهمترین گروه از دانشجویان مورد مصاحبه، نوگروندگان حاد هستند. اینها افرادی هستند که با آن‌که در گذشته حیاتی دینی را تجربه کرده‌اند؛ اما جریان تغییرات، آنها را به خارج از سپهر زندگی دینی سوق داده است. علاوه بر عرفی‌شدن دینداری، نوگروی در میان این دانشجویان همچون، گذاری اعتقادی-معرفت‌شناختی روی داده است. به گونه‌ای که نظام اعتقادی آنان به کلی دگرگون شده و معرفت‌شناسی دینی جای خود را به تجربه‌گرایی و عقلانیت مدرن داده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در توصیف تغییر در مبانی اعتقادی خود و اندیشه خدامحوری اینگونه روایت کرده است:

> «من فکر می‌کنم انسان وقتی که احساس ناتوانی و بن بست کنه به چیزی به نام خدا متوسل می‌شه. به این امید که به واسطهٔ یه نیروی ماورایی از اون رهایی پیدا کنه، ولی وقتی که فرد آزادی اندیشه و استقلال داشته باشه، می‌تونه خودش خدای خودش باشه! به این معنی که دیگه به خدایی احتیاج نداره و خودش مسیر زندگی رو تعیین میکنه» (زن، ۲۱ ساله).

بنابراین، همانگونه که در این نقل‌قول نیز مشخص است، خدامحوری جای خود را به سوژه‌محوری داده و فرد در مرکز معنابخشی به زندگی قرار گرفته است. این دسته از

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

دانشجویان به طور کامل از اشخاص و نمادهای دینی قداست‌زدایی کرده‌اند. این دسته از دانشجویان تقریباً کلیهٔ اعتقادات پیشین خود نسبت به امور ماورایی و غیرمادی را کنار گذاشته و وجود نیرویی برتر در هستی که خدا نام داشته باشد را انکار کرده‌اند. آنان نسبت به دین نگرشی منفی پیدا کرده‌اند و بنیاد تمامی ادیان را یکی دانسته‌اند. برخی از آنان رویکردی ضددین پیشه کرده و برخی دیگر موضعی بی‌تفاوت را نسبت به دین اتخاذ کرده‌اند. اما نکتهٔ مشترک در میان تمامی آنان عدم اعتقاد به دین و حیات دینی است:

> «به نظرم پایبندی به هر دینی انسان را محدود می‌کنه و روابط با خیلی از افرادی که معتقد به اون دین و اون مذهب نیستن برای انسان خدشه‌دار میشه و من این وضعیت رو دوست ندارم. پس می‌تونم بگم که به لحاظ مناسکی و فرایض و ... من معتقد به دین خاصی نیستم» (مرد، ۳۰ ساله).

نکتهٔ مهمی که تقریباً در تمامی دانشجویان با نوگروی حاد دیده می‌شود نوعی از قطعیت در عدم‌اعتقاد به باورهای دینی است. آنان در توصیف وضعیت اعتقادی خود در بسیاری از موارد از عبارت «اعتقادی ندارم» استفاده کرده‌اند. این قطعیت در عدم اعتقاد، تغییری عظیم در شخصیت دینی آنان است که با توجه به تعاریف نوگروی دینی این نکته را گوشزد می‌کند که نوگروی حاد به گونه‌ای رخ داده است که آنان آگاهانه نوعی از حیات دینی متفاوت را پذیرفته‌اند و آمادگی حمایت و دفاع از اعتقادات فعلی خود را دارند. این دسته از دانشجویان هیچیک از مناسک دینی را به جای نمی‌آورند و در دفاع از این امر به نوعی از کارکردگرایی توسل می‌جویند. این دسته از دانشجویان در نتیجه‌ی دسترسی به منابع معرفتی جدید و معرفت‌شناسی‌های جایگزین، معنای زندگی را در اصولی غیردینی یافته‌اند که جز در بُعد اخلاقی، ارتباطی با حیات دینیِ پیشین آنان ندارد. معرفت غیردینی در میان آنان در نتیجهٔ باور به هستی‌شناسیِ دنیوی و علمی در میان آنها شکل گرفته است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص دلیل روی آوردن به هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی غیردینی اینگونه اقامه دلیل کرده است:

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

«در نوجوانی خیلی زیاد با این پرسش‌ها روبرو بودم و خیلی وقت‌ها با کسای زیادی از جمله دینداران بحث می‌کردم و هم تفکرات خودم و هم اونها رو به چالش می‌کشیدم و تحت تأثیر این بود که به فلسفه و جامعه‌شناسی روی آوردم. من احتمال می‌دهم که زمین از همون بیگ بنگ معروف پدید آومده باشد یا هر احتمال علمی دیگه‌ای. به هیچ دلیل ماورایی و معنویی‌ای باور ندارم و سعی می‌کنم با مطالعه در این زمینه به سوالات خودم جوابای روشنتری بدم» (زن، ۲۱ ساله).

باوجود اینکه حیات دینی این افراد تا قبل بروز تغییرات و نوگروی حاد، حیاتی دگرسالارانه مبتنی بر دینداری عبادی بوده است، اکنون آنان با بازاندیشی در حیات دینی خود، سوژه‌محورانه و خودآیین‌وار با تفسیر زندگی بر مبنای اصول خودساخته و فردی پرداخته‌اند. برای این افراد مشروعیت و حجیت اصول دینیِ برگرفته از متون دینی از دست رفته است و برای نمونه اخلاقیات دیگر لباس دینی بر تن ندارند و تحت عنوان اخلاق انسانی معنی یافته‌اند. بنابراین، برخلاف آنچه لافلند ارائه کرده است در اینجا نوگروی بیشتر بُعدی شناختی داشته است تا عاطفی.

در جمع‌بندی از تجربهٔ نوگروی در میان دانشجویان ذکر یک نکته حائز اهمیت اساسی است. این نکته بر می‌گردد به تفکیک میان نوگروندگان حاد و غیرحاد. این تفکیک باید مبتنی بر تفکیک میان باورهای دینی باشد. به اینگونه که ما در اینجا تفکیکی میانی باورهای کانونی یا «هستهٔ سخت» دین و همچنین باورهای حاشیه‌ای یا «کمربند حاشیه‌ای» دین قائل می‌شویم. این تفکیک که برگرفته از لاکاتوش است بسیاری از ابعاد نوگروی حاد و غیرحاد را روشن‌تر می‌کند. نوگروندگان حاد آن‌دسته از دانشجویانی بوده‌اند که هستهٔ سخت دین را مورد پرسش قرار داده و در نهایت اعتقاد خود را به آن از دست داده‌اند. به عنوان مثال در دین اسلام، باور به خدای واحد و متشخص، یا باور به اینکه قرآن وحیِ منزل و کلام خداوند است یا باور به حقانیت پیامبر اسلام جزوی از هستهٔ سخت دین هستند که عدم اعتقاد به آنها فرد را از دایرهٔ دینداری به در می‌کند. نوگروندگان حاد کسانی هستند که این هستهٔ سخت را در حیات دینی خود دخیل نمی‌دانند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]

[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

۵. بحث و نتیجه‌گیری

مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر اساساً نوگروی دینیِ برآمده از وضعیت کنونی دینداری در ایران بود. هدف اصلی این پژوهش بررسی نوع درک و تفسیر دانشجویان دانشگاه تهران از نوگروی دینی خویش و بررسی زمینه‌های شکل گیری چنین تحولی بود.

پیرنگ اصلی انتخاب سبک جدید دینداری، مواجهه با تغییرات فردی ومحیطی است. یعنی در هر مرحله‌ای از حیات دینی، دانشجویان تغییراتی شخصیتی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده‌اند که در نهایت منجر به نوگروی دینی شده است. اما این نوگروی به شیوه‌ای یکدست و هم‌شکل در میان آنان تجربه نشده است. چنین تحولی برخی افراد را زیر چتر اعتقادات بنیادین دینی حفظ کرده و عده‌ای از آنان را از دایرهٔ دینِ رسمی خارج کرده است. مشارکت کنندگان در تحقیق از نوگروی دینی‌شان درک روشنی دارند. آنان به تعبیرخویش، آگاهانه تغییراتی را در حیات دینی خود اعمال کرده‌اند، هرچند تأثیر عوامل اجتماعی و ساختاری را نیز از یاد نبرده‌اند. بنابراین، درک و تفسیر آنان از نوگروی مبتنی بر ابهام‌زداییِ دینداری پسینی است و پس از تجربیات دینی جدید، دینداری قبلی خود را تغییرداده اند.

خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد جامعه‌پذیری دانشجویان مورد مطالعه به نوعی نقشی سلبی را ایفا کرده است و بر نوگروی آنان تأثیرگذار بوده است. نوگروی دینی در این پژوهش همچون پاسخی به شرایط اجتماعی و زمینه‌های خانوادگی دانشجویان درک و تفسیر شده است. جدای از قضاوت ارزشی در خصوص نوگروی دینی، این نکته بسیار حائز اهمیت است که در جامعه ما امروزه به علت تغییرات سریع در دنیای نوین، نوعی خواست تغییر- خواست دگرگونی خود و جهان البته با ترس از سردرگمی و آشفتگی ترس از اضمحلال زندگی به چشم می‌آید. بنابراین نمی‌توان نوگروی دینی را لزوماً پدیده‌ای مثبت قلمداد کرد. علاوه بر این منفی بودن آن نیز با توجه به تغییری که به دنبال دارد، مورد پرسش اساسی است. از یک طرف جهانی با جو تنش و تلاطم، گسترش امکانات ولی توأم با تخریب مرزهای سنتی، اخلاقی، ارزشی، پیوندهای شخصی و کرامت نفس را داریم. از جهتی دیگر، «خود» را داریم که به قول گیدنز در جریان یک رشته حوادث و فاجعه‌های تهدید آمیز اجتماعی و شخصی از جایگاه

اجتماعی خاص خویش محروم شده و یک بازنده[۱] به حساب می‌آید؛ که تلاش می‌کند، گره‌هایی را باز کند که با آن و در آن و به رغم آن زندگی می‌کند و تمام سعی خود را در روابط شخصی و دیگر عرصه‌های زندگی‌اش بر باقی ماندن متمرکز می‌کند. چنین کسی را نمی‌توان گفت که همه‌ی کنترل خود را روی وضع و حال زندگی خویش از دست داده است. دانشجویان به رغم متکثرشدن و چند گانگی‌های کنش متقابل و همچنین کثرت در انتخاب حیات دینی خویش، هنوز در شکل خانوادگی و پیوندهای خونی شکلی از یکپارچگی را برای خود حفظ کرده‌اند.

همانگونه که عنوان شد این نوگروی دینی پاسخی است به حیات دینیِ پیشینی آنان و در واقع واکنشی است به وضعیت موجود. تقریباً تمامی دانشجویان دیدی منفی نسبت به وضعیت دین در جامعهٔ امروز ایران داشته‌اند و در روایت‌های آنان سرخوردگی و طردشدگی از سوی نظم دینیِ رسمی ایران تجربه شده است. آنان نقش دین در جامعهٔ ایران را نقشی ابزاری دانسته‌اند که یا در جهت برآورده کردن منافع شخصی عمل کرده است و یا ابزاری بوده برای مهندسی اجتماعی توده‌های مردم. بنابراین، نه تنها این نظم دینی را برنتافته‌اند؛ بلکه بر علیه آن دست به شورشی درونی زده‌اند. شورش آنان درونی است؛ زیرا امکان کنش‌ورزی در سطح کلان جامعه راندارند و بیشتر آنان در ابراز عقاید کنونی خود در حوزهٔ عمومی اکراه داشتند و آن را واجد پیامدهایی منفی توصیف کردند. بنابراین، دینداری را به امری خصوصی و درونی تبدیل کرده‌اند که نمودهای اجتماعی آن نباید در روابط آنان تأثیرگذار باشد. این پدیده که گریز از دینداری رسمی و گرایش به عرفی‌شدن دین نام دارد در میان همه دانشجویان پاسخگو مشاهده شد. از دید آنان نهادهای دینی نباید نظم اجتماعی ایران را نمایندگی و مدیریت کنند. علاوه بر این نوگروندگان دینیِ دانشگاه تهران در جهت عرفی‌کردن دینداری در ایران رسالتی برای خویش قائل نشدند و باز هم دین را به حوزهٔ خصوصی کشانده و آن را فاقد کارکردهای اجتماعی دانسته‌اند.

[۱] . Survivor

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

منابع

آزاد ارمکی، تقی و اعتمادی‌فرد، سیدمهدی(۱۳۸۹). «پایگاه خانوادگی، سنخ‌های دینداری و کیفیت ارزش‌های مذهبی در ایران»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۴: ۲۳-۱.

استراوس، انسلم و کربین، جولیت (۲۰۰۷). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار (۱۳۹۰). جلد۱، چاپ۵، تهران: نشر نی.

برگر، پیتر .ال؛ برگر، بریجیت و کلنر، هانسفرید (۱۹۷۴). ذهن بی‌خانمان؛ نوسازی و آگاهی، ترجمه: محمد ساوجی (۱۳۸۷)، جلد۱، چاپ۳، تهران: نشر نی.

توسلی، غلامعباس و مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۵). «بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی امیرکبیر)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۴: ۱۱۸-۹۶.

حسن‌پور، آرش و معمار، ثریا (۱۳۹۴). مطالعه وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دینداری خودمرجع (ارائهٔ یک نظریه زمینه‌ای، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هشتم، شماره ۳: ۱۳۱-۹۹.

شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۱). عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، تهران: نشر باز.

شجاعی‌زند، علیرضا، شریعتی مزینانی، سارا و حبیب‌زاده خطبه‌سرا، رامین(۱۳۸۵). بررسی وضعیت دین‌داری در بین دانشجویان، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۷، شماره ۲: ۲۱-۱۶.

شریعتی مزینانی، سارا؛ باستانی، سوسن و خسروی، بهناز(۱۳۸۶). جوامعی در نوستالوژی اجتماع؛ نگاهی به پدیدهٔ معنویت‌های نوپدید در ایران، فصل‌نامه ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال سوم، شماره ۸: ۲۲-۱۳.

شریفی یزدی، سارا (۱۳۹۲). فهم تجربهٔ زیستهٔ دانشجویان غیرمذهبی با رویکرد طرد و پذیرش: مورد مطالعه دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های علوم‌اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبائی، پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشگاه تهران.

طالبان، محمدرضا و رفیعی بهابادی، مهدی (۱۳۸۹). تحولات دینداری بر اساس تفاوت‌های نسلی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)، مسایل اجتماعی ایران، سال اول، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۲: ۱۱۴-۸۴.

فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، جلد ۱، چاپ۱۰، تهران: نشر نی.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]
[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]

کاشی، فضه (۱۳۸۸). خود در معنویت‌های جدید- مطالعه موردی عرفانی کیهانی، پایان‌نامه جهت اخذ درجهٔ کارشناسی ارشد، رشتهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی – ضد روش ۲، جلد۲، چاپ۲، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان

مغانلو، مهناز؛ وفایی، آگیلار و شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های هویت و دینداری در دانشجویان، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال پانزدهم، شماره ۴: ۳۸۷-۳۷۷.

نظری، محمد (۱۳۹۳). مطالعه تحول در پای‌بندی دینی دانشجویان دانشگاه خوارزمی بر اساس تحلیل روایت، پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران: ۱۲۲-۱۰۸.

Buckser, Andrew & Glazier, Stephen D. (2003) The Antropology of Religious Conversion, Maryland: Roman & Littlefield Inc.

Paloutzian, R. (2014); Psychology of Religious Conversion and Spiritual Transformation, In: Kok, Naomi (2016) Religious Conversion Compared, 1st ed. New York & Oxford: Oxford University Press.

Paloutzian, R. (2014) Psychology of Religious Conversion and Spiritual Transformation, In The Oxford Handbook of Religious Conversion (2014) Edited by Lewis R. Rambo and Charles E. Farhadian, Oxford University Press.

Roberts, Keith A. (1990) Religion in Sociological Perspective, USA: Wadsworth Publishing Company Belmont.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1400.12.1.4.0]

[DOI: 10.52547/jspi.12.1.253]